

**بررسی مقایسه‌ای تحریم‌های یکجانبه
دولت آمریکا و تحریم‌های سازمان ملل متحد
علیه جمهوری اسلامی ایران**

www.ketab.ir

زهرا کیانی پژوه



سرشناسه	: کیانی پژوه، زهرا، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی مقایسه‌ای تحریم‌های یکجانبه دولت آمریکا و تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران/ زهرا کیانی پژوه.
مشخصات نشر	: تهران: حقوق یار، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۰ ص.
شابک	: 978-622-7220-32-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه: ص. ۲۰۱ - ۲۱۰.
موضوع	: سازمان ملل متحد -- تحریم
موضوع	: United Nations -- Sanctions
موضوع	: سازمان ملل متحد -- تحریم -- جنبه‌های اقتصادی
موضوع	: United Nations -- Sanctions -- Economic aspects
موضوع	: تحریم اقتصادی آمریکا -- ایران
موضوع	: Economic sanctions, American -- Iran
رده بندی کنگره	: ۵/HF۱۵۸۶
رده بندی دیویی	: ۷۳۰۵۵/۳۷۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۵۳۵۹۸۹
اطلاعات رگورد کتابشناسی	: فیبا



بررسی مقایسه‌ای تحریم‌های یکجانبه دولت آمریکا و تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران

زهرا کیانی پژوه

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰

انتشارات: حقوق یار

تیراژ: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۷۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ

ISBN: 978-622-7220-32-2

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۲۰-۳۲-۲

مرکز بخش: تهران، میدان انقلاب، خیابان کارگرجنوبی، خیابان روانمهر،

بن‌بست دولت‌شاهی، پلاک ۱ واحد ۱، انتشارات حقوق یار

فروشگاه الکترونیکی: www.hoghghyaar.com

تلفن تماس: ۶۶۴۰۶۲۸۵، ۶۶۴۰۶۶۹۷۷۸۴-۷۳-۶۶۹۵۲۰

فکس: ۶۶۴۹۲۲۹۵

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۷	 الف) بیان مسئله و طرح موضوع
۱۵	 ب) اهمیت و ضرورت تحقیق
۱۶	 ج) اهداف تحقیق
۱۷	 د) سوالات و فرضیه‌های تحقیق
۱۸	 ه) سوابق و نوآوری تحقیق
۲۰	 و) روش تحقیق
۲۱	 ز) سازماندهی تحقیق
۲۲	 فصل اول:
۲۲	 تحریم از منظر سازمان ملل متحد
۲۲	 مقدمه
۲۴	 مبحث اول : روند اعمال تحریم؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد
۲۹	 گفتار ۱. نحوه اعمال تحریم
۳۲	 گفتار ۲. اهداف تحریم‌ها از سوی شورای امنیت و نارسایی آن
۳۵	 مبحث دوم : سابقه تاریخی تحریم در قالب سازمان ملل
۳۷	 گفتار ۱. موارد و مصادیق تحریم؛ شورای امنیت سازمان ملل متحد
۵۲	 جمع بندی فصل اول :
۵۵	 فصل دوم:
۵۵	 شورای امنیت و تحریم علیه ایران
۵۵	 مقدمه
۵۶	 مبحث اول: بررسی چارچوب‌های صلاحیتی شورا در اعمال تحریم‌های بین‌المللی
۵۷	 گفتار ۱. اختیارات شورای امنیت در اعمال تحریم
۶۱	 گفتار ۲. محدودیت‌های شورا
۶۸	 گفتار ۳. کنترل (بازنگری) قضایی تحریم‌های شورای امنیت

مبحث دوم: تحریم شورای امنیت علیه ایران از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ در قبال فعالیت هسته‌ای ایران	۷۷
گفتار ۱. قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت علیه ایران	۷۸
گفتار ۲. بهانه‌ها و دلایل شورا برای اعمال تحریم هسته‌ای علیه ایران	۸۵
مبحث سوم: برجام و تحریم‌ها	۹۰
گفتار ۱. ماهیت برجام از منظر حقوق بین‌الملل	۹۱
گفتار ۲. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت و وظایف و تکالیف دولت‌ها	۹۵
فصل سوم:	۱۰۳
آمریکا و تحریم علیه ایران	۱۰۳
مقدمه	۱۰۳
مبحث اول: جایگاه حقوقی تحریم‌های یکجانبه آمریکا	۱۰۵
گفتار ۱. تحریم‌های آمریکا علیه ایران	۱۱۰
گفتار ۲. نقض تعهدات عهدنامه‌ای	۱۱۳
گفتار ۳. نقض قواعد عام حقوق بین‌الملل	۱۱۸
مبحث دوم: خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های یکجانبه علیه ایران از ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰	۱۲۵
گفتار ۱. تحریم‌های بازگشتی پس از دوره ۹۰ روزه و ۱۸۰ روزه	۱۲۶
گفتار ۲. خروج از برجام؛ نقض قطعنامه ۲۲۳۱ و برخی مواد منشور	۱۳۴
گفتار ۳. بررسی مقایسه‌ای به تحریم‌های اعمال شده توسط آمریکا و شورای امنیت	۱۴۱
جمع بندی فصل سوم:	۱۴۵
نتیجه گیری	۱۴۹
پیوست	۱۵۹
منابع	۱۹۹

مقدمه

الف) بیان مسئله و طرح موضوع

تحریم جزئی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی است که از سوی کشور تحریم‌کننده برای اجبار دولت هدف، جهت رسیدن به واکنش مورد نظر اعمال می‌شود. در واقع تحریم، سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌ی غیر نظامی جهت رسیدن به اهداف موردنظر از سوی نهاد تحریم‌کننده است. نهاد تحریم‌کننده ممکن است دولت یک یا چند کشور، از قبیل آمریکا و اتحادیه اروپا و یا یک سازمان بین‌المللی مانند سازمان ملل باشد. تحریم، سلاحی اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل می‌شود. بسیاری از تحلیلگران در مورد تحریم بر این باورند که تحریم‌ها موجب تغییر اهداف استراتژیک کشورهای تحریم شده نمی‌شود، بلکه صرفاً در صورتی که از سوی کشورها یا نهادهای تحریم‌کننده به عنوان اهرمی جهت مذاکره مورد استفاده قرار گیرد، کشور تحریم شده را وادار به مصالحه می‌نماید.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی سه دور تحریم توسط ایالات متحده آمریکا علیه کشور ایران وضع شده است دور نخست تحریم‌های قبل از سال ۲۰۰۶ میلادی است که از گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکایی در تهران شروع می‌شود و با مصادره دارایی دولت ایران نزد بانک‌های آمریکایی، صادرات هرگونه غذا و دارو به ایران ممنوع شد. علاوه بر این، آمریکاییان از هرگونه معامله‌ی مالی با ایرانیان منع شده و هر نوع واردات از ایران و تمامی سفرها به ایران یا از ایران را ممنوع شد. همچنین، تمامی تجهیزات نظامی خریداری شده یا سفارش داده شده توسط دولت ایران نیز، توقیف شد. براساس قانون داماتو شرکت‌هایی که در یک سال بیش از چهل میلیون دلار در ایران سرمایه‌گذاری کنند از داد و ستد با دولت آمریکا محروم خواهند شد. این قانون توسط

«داماتو»، سناتور ایتالیایی الاصل کنگره آمریکا و از جمهوری خواهان محافظه‌کار به کنگره آمریکا ارائه شد. براساس این قانون، رئیس جمهوری آمریکا اجازه یافت شرکت‌های غیرآمریکایی را که فن‌آوری‌های صنعت نفت را در اختیار ایران می‌گذارند، تحریم کند. قانون داماتو هر پنج سال یک بار بازبینی می‌شود قانون داماتو پس از آمیختگی با طرح «بنیامین گیلمن» رئیس کمیسیون روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان آمریکا که محتوایی مشابه با قانون داماتو داشت، در قالب مجازات ایران و لیبی در کنگره تصویب و سپس به امضای کلینتون رسید. در این قانون برای شرکت‌های غیرآمریکایی که در بخش انرژی ایران بیش از ۲۰ میلیون دلار در سال سرمایه‌گذاری کنند، مجازات‌هایی را مشخص کردند. تصویب قانون «داماتو»، تصویب قانون تحریم‌های ایران و لیبی و قرار دادن اسامی بانک‌های ایرانی و تعدادی از نهادها و شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در لیست تحریم‌ها، مهم‌ترین اقدامات این دور از تحریم‌ها بوده است. دور دوم تحریم‌های بین ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ و بازگشت تحریم‌های قبلی است که با هدف کاستن از سرعت رشد توان هسته‌ای شروع شد و صادرات نفت ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نمادهایی از تحریم‌ها در این دوره به حساب می‌آیند. و دور سوم تحریم‌ها همان تحریم‌هایی هستند که از سال ۲۰۱۸ تاکنون اعمال شده‌اند.

تحریم‌های فراسرزمینی به آن دسته از تحریم‌ها گفته می‌شود که علیه دول ثالث و اشخاص حقیقی و حقوقی متنوع آن‌ها همچون شرکت‌های تجاری اعمال می‌شود که موجب جلوگیری از تعاملات تجاری دول ثالث با دولت یا دولت‌های هدف می‌شوند. قانون تحریمی آمریکا علیه ایران و لیبی ۱۹۹۶ که به نام پیشنهاد دهنده‌ی آن در سنا، سناتور آلفونسو داماتو، به قانون داماتو مشهور شده است و همین طور قانون تحریمی آمریکا علیه کوبا معروف به قانون هلمز برتون و قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها (کاتسا) ۲۰۱۷ نمونه‌هایی از تحریم فراسرزمینی را در خود جای داده‌اند. امروزه آمریکا به بزرگترین واضع تحریم‌های فراسرزمینی علیه دولت‌ها تبدیل شده و ضمن توجیه اینگونه اقدامات با توسل به استثنای امنیت ملی، معتقد است که این اقدامات به واسطه سیاست خارجی آمریکا انجام می‌گیرد و بهانه وضع این تحریم‌ها نیز مواردی از حقوق بشر تا تهدیدات امنیتی را شامل می‌شود. جمهوری اسلامی ایران از ابتدای انقلاب اسلامی همواره در معرض تحریم بوده است. این تحریم‌ها به فراخور مناقشات سیاسی، تشدید شده است. تردیدی وجود ندارد که آمریکا همواره به عنوان عضو دائمی شورای امنیت همواره به دنبال استفاده از جایگاه خود در آن شورا به عنوان ابزار مشروعیت

بخشیدن به منافع و سیاست خارجی خود بوده است اما در هر مقطعی به هر دلیلی از جمله مخالفت روسیه و یا چین و یا دیگر اعضای شورای امنیت نتوانسته تحریم‌های شورای امنیت بر ضد ایران را افزایش دهد؛ به اعمال و تشدید تحریم‌های یک‌جانبه پرداخته است.

تحریم‌های اقتصادی از جمله ساز و کارهای اجرایی عمده‌ای است که در سال‌های اخیر به دفعات متعدد از سوی شورای امنیت علیه بسیاری از کشورها اعمال شده است. سابقه اعمال این تحریم‌ها در دوران جنگ سرد تنها در دو مورد علیه کشورهای رودزیای جنوبی (زیمبابوه) در ۱۹۶۶ و آفریقای جنوبی در ۱۹۷۷ مشاهده می‌شود. پس از جنگ سرد، شورای امنیت سازمان ملل چنین تحریم‌هایی را علیه کشورهای عراق، یوگسلاوی سابق، آنگولا، لیبی، رواندا، لیبیا، هائیتی، سودان و ایران اعمال کرده است. در واقع هدف از اعمال تحریم‌های اقتصادی، جلوگیری از هنجارشکنی اعضای جامعه بین‌الملل و تشویق به رعایت این اصول و هنجارهاست. در منشور سازمان ملل متحد (ماده ۴۱) به شورای امنیت به‌عنوان مهم‌ترین رکن سازمان برای ایجاد صلح و امنیت بین‌المللی، امکان برقراری تحریم‌های اقتصادی و دیگر موارد تحریمی علیه کشور ناقض صلح و امنیت به عنوان یک راهکار غیرنظامی داده شده است. مشروعیت اعمال تحریم‌های وضع شده از سوی شورای امنیت مطلق نیست و منوط به شرایطی است. نخست آنکه شورای امنیت پیش از اتخاذ هر نوع اقدام نظامی یا غیرنظامی، می‌بایست به‌موجب ماده ۳۹ منشور احرار کند آیا تهدید صلح، نقض صلح یا اقدام تجاوزکارانه صورت گرفته است یا خیر. به بیان دیگر پیش‌شرط اعمال فشار توسط شورای امنیت، ضرورت حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی است و مشخص است جایی که تهدیدی رخ نداده و یا نقض صلح و تجاوزی محقق نشده است؛ تجویزی برای برقراری تحریم نیز وجود نخواهد داشت. دولت‌های عضو سازمان ملل متحد در منشور پذیرفته‌اند که شورای امنیت مسئول اولیه حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بوده و ابزارهایی نیز در فصل ششم و هفتم منشور در اختیار این نهاد سیاسی قرار داده‌اند. از این حیث مشروعیت رفتار شورای امنیت همواره متأثر از معیارهای و رای عوامل حقوقی خواهد بود.

در آن شرایط خاص جامعه بین‌المللی در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ نمایندگان ۶ کشور قدرتمند دنیا از جمله آمریکا بیش از دو سال با نمایندگان ایران مذاکرات بسیار فشرده‌ای را انجام دادند و پرونده‌ای بین‌المللی راجع به برنامه هسته‌ای ایران را در

معرض افکار عمومی قرار دادند و در مورد آن بحث کردند. در آن زمان در سایه تبلیغات گسترده آمریکا، اسرائیل و برخی دیگر از کشورها تصور جامعه جهانی این بود که ایران به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای پیش می‌رود از این رو می‌خواستند تصمیمی گرفته شود تا در چارچوب مقررات بین‌المللی و توافقات قدرت‌های بزرگ با ایران، تضمینی ایجاد شود که اقدامات ایران تحت کنترل باشد، و ایران متعهد شود و تضمین دهد که فعالیت‌های هسته‌ای‌اش در مسیر صلح‌آمیز است هر چند هیچ‌گونه شواهد، مدارک یا دلایل قانع‌کننده‌ای ارائه نشد که ایران در مسیر هسته‌ای غیرصلح‌آمیز پیش می‌رود، اما به هر حال فشارهایی را ایجاد می‌کردند تا اینکه پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل ارجاع داده شد. همان طور که می‌دانیم تحریم‌های شورای امنیت از اجماعی بین‌المللی برخوردارند و دولت‌ها پذیرفته‌اند که شورا به منظور صیانت از آرمان والا تر (صلح و امنیت جهانی) گهگاه و موقتا حقوق آنها را نادیده بگیرد. شورای امنیت به عنوان نهاد تضمین‌کننده امنیت کشورهای غیرهسته‌ای، با پایان جنگ سرد و گسترش مفهوم تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی و توجه به مواردی مثل خلع سلاح هسته‌ای با گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قطعنامه ۱۶۹۶ (۳۱ ژوئیه ۲۰۰۶) را تصویب کرد. در این قطعنامه ضمن استناد به ماده ۴۰ از فصل هفتم منشور از ایران خواست تا فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای خود را موقوف سازد. به دنبال عدم تعدیل سیاست کشور در خصوص توسعه انرژی هسته‌ای از مواضع رسمی، قطعنامه بعدی یعنی ۱۷۳۷ که قلمرو موضوعی آن در مقایسه با قطعنامه قبلی شورا گسترش یافته بود و بیشتر تصمیم‌های شورا وفق ماده ۴۱ فصل هفتم بود، تصویب شد در حقیقت پرونده‌ی هسته‌ای کشور از عرصه رسیدگی قانونی (انطباق با تعهدات بین‌المللی) مندرج در معاهده منع اشاعه) به عرصه رسیدگی سیاسی (صلح و امنیت بین‌المللی) انتقال یافت که همان اقدامات غیر نظامی مندرج در ماده ۴۱ منشور است. شورای امنیت با استناد حقوقی به مقررات منشور قطعنامه‌های بعدی را نیز علیه ایران تصویب کرد که محور اعمال فشار در این خصوص الزام‌آور بودن تصمیم شورا از نظر حقوق بین‌الملل و ماده ۲۵ منشور ملل متحد است.

شورا در چهارچوب فصل هفتم و مشخصات ماده ۴۱ منشور پی در پی قطعنامه‌هایی را در زمینه اعمال تحریم‌هایی علیه ایران وضع کرد. قطعنامه ۱۹۲۹ آخرین قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مربوط به برنامه هسته‌ای ایران است که در ۹ ژوئن ۲۰۱۰ به تصویب این شورا رسید و تحریم‌های اقتصادی شدیدی را علیه ایران وضع

کرد. صدور این قطعنامه در پی عدم اجرای مفاد قطعنامه‌های ۱۶۹۶ (۲۰۰۶)، ۱۷۳۷ (۲۰۰۶)، ۱۷۴۷ (۲۰۰۷)، ۱۸۰۳ (۲۰۰۸)، ۱۸۳۵ (۲۰۰۸) و ۱۸۸۷ (۲۰۰۹) از سوی ایران صورت گرفت. این قطعنامه با ۱۲ رای موافق، ۱ رای ممتنع از شرکت در رای گیری (لبنان) و ۲ رای مخالف (برزیل و ترکیه) در جلسه‌ای به ریاست مکزیک تصویب شد. این قطعنامه آغار چهارمین دور تحریم‌های علیه ایران است. بر اساس این قطعنامه ایران نباید از هیچ فعالیت تجاری مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم و دیگر مواد هسته‌ای یا فناوری دیگر کشورها بهره‌مند شود و تمامی کشورها می‌بایست از انتقال هر گونه تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، هلیکوپترهای تهاجمی، توپخانه کالیبر بالا، کشتی‌های نظامی، موشک و سیستم‌ها و قطعات مرتبط با آن‌ها به ایران خودداری کنند. پس از تصویب آخرین قطعنامه شورای امنیت یعنی در بازه سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران به شکل بی‌سابقه‌ای گسترش یافت و مهم‌ترین بخش اقتصاد ایران را مورد هجوم قرار داد.

بدنبال عدم تعدیل سیاست کشور در خصوص برنامه هسته‌ای هر آن ممکن بود شورای امنیت پرونده هسته‌ای ایران که ذیل فصل هفتم منشور قرار داشت به اتهام تهدید یا نقض صلح و امنیت بین‌المللی در قالب ماده ۴۲ منشور تصمیماتی را علیه ایران اتخاذ کند، تا اینکه در دولت یازدهم مذاکرات دنبال شد که ماحصل آن مذاکرات، دستیابی به "برنامه جامع اقدام مشترک" یا برجام بود. برای ایران هم ضروری و مفید بود که تحریم‌ها برداشته شود و وضعیت جامعه ایران در مسیر عادی قرار بگیرد. به طور کلی در مورد برجام دو دیدگاه وجود دارد؛ طرفداران دیدگاه نخست بر این عقیده‌اند که این توافق جنبه سیاسی دارد و این امر ناشی از ماهیت و فلسفه وجودی این توافق است. در این دیدگاه واشنگتن با نقض برجام متحمل هزینه بسیاری می‌شود و منافع بلند مدت آن، به ویژه در منطقه خاورمیانه، با چالش روبرو خواهد شد و از بعد دیگر افکار عمومی جهانی را در مقابل خویش قرار می‌دهد. در مورد رفع تحریم‌های هسته‌ای نیز بر این نظرنند که تحریم‌های هسته‌ای برداشته شده و آنچه منتقدان مطرح می‌کنند، به تحریم‌های مربوط به تروریسم و حقوق بشر مربوط می‌شود که در طول تعاملات سازنده ناشی از فضای پس‌ابرجامی برطرف خواهد شد. دیدگاه دوم معاهده بودن آن است صاحبان این دیدگاه بر این باورند که مهم نیست که عنوان این معاهده بین‌المللی برجام یا برنامه اقدام مشترک است؛ بلکه همین که این سند بین دولت‌ها توافق شده است و

طرفین مذاکره خواسته‌اند که قواعد حقوق بین‌الملل بر آن حاکم باشد، این سند معاهده است و باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

در طی دو سالی که از توافق برجام می‌گذشت دستاوردهای به نسبت خوبی برای ایران به همراه داشت اما بزرگترین دستاورد آن، تبدیل فضای اجبار و تهدید، در رسیدگی به پرونده هسته‌ای، به فضای همکاری و رضایت بود. برجام منجر به شکل‌گیری همکاری‌های بین‌المللی در مورد برنامه هسته‌ای ایران شد و کشورهای دیگر باید خدماتی را در راستای آن انجام می‌دادند که عبارتند از: پروژه رآکتور اراک، پژوهش در تأسیسات فردو، پروژه‌های دیگر رآکتور هسته‌ای، پزشکی هسته‌ای، ایمنی هسته‌ای و عرضه سوخت هسته‌ای. همچنین باید در زمینه رفع نیاز ایران به تولید سوخت هسته‌ای نیز همکاری کنند.

در ۲۰ جولای ۲۰۱۵، شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه ۲۲۳۱ را منعقد کرد و از کشورهای امضاکننده خواست تا به تعهدات خود عمل کنند. با وجود تعهد هر دو طرف به پایبند بودن به متن برجام، آمریکایی‌ها از همان ابتدا اقداماتی را انجام دادند که با اجرای تعهدات بین‌المللی برجام متناقض بود. در پی فضاسازی‌هایی که صهیونیست‌ها و برخی کشورهای منطقه ایجاد کردند، آقای ترامپ و تیم همراه وی در نهایت تصمیم به خروج از برجام گرفتند، اقدامات دولت آمریکا در فسخ یک‌طرفه برجام و اعمال تحریم‌های ضد ایرانی جدید نه تنها بیانگر تخلف این کشور در عمل به تعهدات برجامی می‌باشد بلکه بیانگر این است که آمریکا ماده یک و دو قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را که از دولت‌ها می‌خواهد به تعهدات شان عمل کنند و اقدامات متناسب با برجام را اتخاذ نمایند، نقض نموده است.

از اردیبهشت ماه ۱۳۹۷، پس از خروج آمریکا از برجام تحریم‌های تعلیق شده به موجب برجام، مجدداً اجرایی شد. در این دوره اگر چه آمریکا به صورت یکجانبه تحریم‌ها را علیه ایران وضع کرد اما در عمل و به موجب قدرت مالی و اقتصادی این کشور در عرصه بین‌الملل، بسیاری از شرکت‌ها و بانک‌های خارجی از ادامه تعامل با ایران خودداری کردند بنابراین بیراه نیست اگر گفته شود تحریم‌های این دوره آمریکا علیه ایران، در مقام نظر یکجانبه است اما در مقام عمل چند جانبه.

زیربنای حقوقی تحریم در دستگاه‌های اجرایی آمریکا به صورت کامل علیه ایران طراحی شده است و هزینه وضع مجدد تحریم علیه ایران در هر دوره‌ای، تنها صدور یک

فرمان اجرایی توسط رئیس جمهور آمریکاست با توجه به آماده بودن زیرساخت‌های حقوقی، رئیس جمهور آمریکا حتی نیاز به کسب اجازه از دستگاه قانون‌گذاری این کشور نیز ندارد و به راحتی می‌تواند فشارهای اقتصادی را در غالب تحریم اعمال کند. تحریم‌های اقتصادی آثار تخریبی به اندازه یک جنگ دارند، اما در بکارگیری آن‌ها نه نیروی انسانی از کشور مهاجم کشته می‌شود، نه جنگ افزار نابود می‌شود و نه منابع مالی چندانی نیاز است. مثال آن را در مورد ایران در دو دوره اعمال تحریم (سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۷) شاهد بودیم. با چند کلیک در سامانه‌های انتقال حجیم دلاری و همچنین سوئیفت به سادگی می‌توان هر شخص حقیقی و حقوقی را از کلیه تعاملات بانکی متعارف محروم کرد. چنانچه ایالات متحده نام یک شخص حقیقی و حقوقی را در لیست تحریم قرار دهد، به صورت زنجیره‌ای همه بانک‌های دنیا ارتباط خود را با شخص تحریم شده قطع می‌کنند.

هدف از اعمال تحریم‌های سخت آمریکا علیه ایران فشار آوردن بر مسئولان با اعمال تحریم علیه اشخاص و شرکت‌ها و ایجاد بحران اقتصادی است تا بدین وسیله بتواند دولت ایران را پای میز مذاکره بیاورد. این تحریم‌ها با کاهش میزان درآمد دولت از فروش نفت و قطع کردن روابط تجاری ایران با دنیای خارج باعث رکود اقتصادی ایران شده است. در واقع با اتهام‌های مربوط به حمایت از تروریسم، حقوق بشر و شفافیت نداشتن فعالیت‌های هسته‌ای، ایران را در حوزه نفت، تجارت خارجی به ویژه مالی و بانکی تحریم کرده یعنی جنگ اقتصادی و روانی را جایگزین جنگ‌های متعارف کرده است؛ قدرت بزرگی که همیشه مدعی بوده حافظ تعهدات بین‌المللی است و قوانین بین‌المللی را رعایت می‌کند و به ویژه اینکه پایه‌گذار سازمان ملل است و مدعی است حافظ صلح و امنیت بین‌المللی است، برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را که متضمن رعایت مقررات مندرج در برجام است را نقض کرد و در برابر جامعه جهانی و اروپایی‌ها ایستاد. دولتی که مدعی است رهبری جهان را برعهده دارد و تلاش دارد تعهدات بین‌المللی از سوی دیگر دولت‌ها نیز رعایت شود یک باره آن را نقض کند و ادعا کند ایران در سایه برجام سواستفاده کرده است، جامعه جهانی به سادگی این ادعای آمریکا را نمی‌پذیرد.

اقدامات آمریکا با وضع قوانین فراسرزمینی، نقض اصل حاکمیت کشورها و لطمه به حقوق اساسی بشر، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی را برای کشور ایران به صورت اولیه و

برای کشورهای دیگر به صورت ثانویه ایجاد کرده است که در تعارض با قواعد حقوق بین‌الملل است و این به معنای بر هم خوردن نظم بین کشورهاست.

خروج آمریکا از برجام، اعمال تحریم علیه ملت و دولت ایران، بلوکه کردن دارایی‌های ایران به میزان دومیلیارد دلار و مباحثی در این حوزه، ایران را مجاب کرد تا از آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری شکایت برد. شکایت ایران از آمریکا در دیوان بین‌المللی دادگستری در دو پرونده مطرح شد:

۱. نقض برجام با استناد به پیمان مودت ۱۹۵۵ بین ایران و آمریکا و ۲. پرونده توقیف دارایی‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا.

در این فرایند ایران موفق شده است چالش‌های سیاسی دیرپای خود با آمریکا را در سطح بین‌المللی در یک بستر و روند حقوقی و در قالب یک نهاد حقوقی بین‌المللی پیش ببرد. درباره شکایت ایران از آمریکا نزد دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده توقیف دارایی‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی از سوی دولت آمریکا ریشه قضیه سیاسی است که آمریکا به آن ماهیت حقوقی بخشیده است و به این بهانه آن را مقوله حقوقی معرفی کرده است. ریشه شکل‌گیری این پرونده برمی‌گردد به بهانه واهی آمریکا مبنی بر بمب‌گذاری نیروهای مورد حمایت ایران در مقر نیروی دریایی آمریکا در بیروت در سال ۱۹۸۳ که ۲۴۱ سرباز آمریکایی در آن حادثه به قتل رسیدند که به قربانیان و خانواده قربانیان آن حادثه اجازه داده شد در دادگاه‌های آمریکایی بر علیه ایران به طرح شکایت بپردازند و خسارات وارده را دریافت دارند که در پی این شکایت‌ها یک دادگاه آمریکا حکم داد که مبلغ یک میلیارد و هفتصد و پنجاه میلیون دلار از ذخایر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بلوکه و به این قربانیان داده شود. آمریکا در توجیه خروج از برجام مدعی است که ایران در منطقه خاورمیانه اعمال نفوذ می‌کند، از تروریسم حمایت می‌کند و امنیت منطقه‌ای را به خطر انداخته است. ایران هم متقابلاً فرصت را مغتنم شمرده که به بهانه تحریم‌های اعمال شده از سوی آمریکا و به استناد یک عهدنامه موجود تاریخی فی‌مابین علیه این کشور شکایت کند و در چارچوب یک سند قانونی بین‌المللی که از گذشته وجود داشته است و طرفین هم متعهد به اجرای آن بوده‌اند، در چنین شرایطی و به دلیل اینکه آمریکا مرتکب نقض فاحش قواعد بین‌المللی شده بود اقدام ایران در طرح شکایت علیه آمریکا هم بازتاب گسترده‌ای داشت چون موفق شده بود که با استفاده از فرصت و بر پایه اختلافات دیرینه سیاسی و در چارچوب یک نهاد

قضائی بین‌المللی آن را وارد عرصه و روند حقوقی کرده و از تهدیدهای ناشی از اعمال تحریم‌ها فرصتی را به وجود بیاورد و در این فضا آمریکا را به عنوان کشوری که علی‌رغم ادعاهایش که می‌خواهد صورت حق به جانب به خود بگیرد، ولی متهم و محکوم به نقض گسترده تعهدات بین‌المللی است، معرفی کند.

با توجه به مطالب پیش گفته، آنچه هویداست آنکه تحریم‌های دولت آمریکا حیات ملت ایران را نشانه گرفته است در حالی که تحریم‌های سازمان ملل از شدت کمتری برخوردار است. بدیهی است مقایسه حقوقی این موضوع می‌تواند رهنمودی مفید در چانه زنی‌های سیاسی و حقوقی فراهم آورد.

از این رو عنوان این پژوهش به شکل زیر بیان می‌گردد: بررسی مقایسه‌ای تحریم‌های یکجانبه آمریکا و تحریم‌های سازمان ملل متحد علیه جمهوری اسلامی ایران موضوع تحریم‌های دولت آمریکا به خصوص بررسی و سنجش مقایسه‌ای تاثیر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های یکجانبه آمریکا از چند جنبه بسیار مهم بوده است.

(ب) اهمیت و ضرورت تحقیق

موضوع تحریم‌های دولت آمریکا به خصوص بررسی و سنجش مقایسه‌ای تاثیر تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و تحریم‌های یکجانبه آمریکا از چند جنبه بسیار مهم بوده است.

اینکه سال ۲۰۱۶ با تمدید قانون تحریم‌های ایران در کنگره آمریکا از حیث اعمال تحریم بر کشورهای ثالثی که اقدام به تعاملات تجاری با ایران می‌کنند بسیار اهمیت دارد چرا که با توجه به روند جهانی شدن اقتصاد، اعمال تحریم علیه کشورها و شرکت‌های ثالث که خارج از مرزهای ایالات متحده مشغول فعالیت تجاری هستند، به عنوان توسعه بالفعل قلمرو قضایی ایالات متحده به اعمالی که قانوناً خارج از مرزهای آن کشور است، قلمداد می‌شود.